

«فرهیختگان» بررسی کرد

فاصله زیاد سناریوهای حقوق کارگری ۱۴۰۰

صفحه ۸ را بخوانید



07 Feb 2021 | vol.12 | No. 3252 | 16 Pages

روی سیگنال توافق بد

دولت بایدن حداقلی‌ترین مطالبات ایران در برجام را به رسمیت نمی‌شناسد اما دولت و برخی سیاسیون در ایران موضعی منفعلانه دارند

دکتر طهرانچی:

باید در دانشگاه آزاد با تأسی از اندیشه‌های امام (ره) یک تحول بزرگ ایجاد شود

۶»

دکتر ولایتی مطرح کرد

ادعای اجرا نشدن مصوبات هیات امنا درست نیست

۶»

مواضع سیاسی دوحزب در آمریکا چه معنایی دارد

اتلاف وقت برای تحمیل توافق بد به ایران

۷»

» یادداشت

نوید عمیدی‌مظاهری

پژوهشگر هسته افکار عمومی و تغییرات اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

ناامیدی عارضه‌ای در روانشناسی فردی است که شاخص‌های متعددی دارد. بین این شاخص‌ها، نمونه‌هایی مانند حس سرکوب‌شدگی، حس تحمل محدودیت و شکست، حس در اسارت افتادن، حس محاصره‌شدن بین بی‌کفایت‌ها و... قرار دارد که به‌طور صریح وضعیتی اجتماعی یا اجتماعی‌شده را حکایت می‌کند. امید، تحمل رنج و روبراوری آرمانگرایانه با رنج است. جامعه همواره با دوگانه ناامیدی و نوآوری مواجه است و البته همیشه امید علیه واقعیت موجود برای رسیدن به مطلوب است. اگر امید به‌معنای آرمان‌های مشترک باشد، به وجودآورنده انگیزه‌های مشترک می‌شود. حیات اجتماعی، آرمان مشترک فرد را به عمل جمعی وامی‌دارد و مهم این عمل جمعی است که به‌طور مشخص، برآیند امید فردی نیست و چیزی جز امیداجتماعی از پس تحلیل آن برنمی‌آید. آنچه امروز بیش از همه افکارعمومی اغلب ایرانیان را درگیر خود کرده ناامیدی از فردا است. اگرچه در واقعیت بیرونی، اوضاع عمومی کشور نابسامان و در حال سقوط نیست و برعکس در نقطه مقابل آن قرار دارد، اما ناامیدی به‌آینده‌وایجادتصویری‌سیاه‌ترنسبت‌به‌گذشته‌واکنون، به‌مراتب مخرب‌تر از آن چیزی است که به‌صورت واقعی در حال رخ دادن است. یکی از استادهای مطرح جامعه‌شناسی، این احساس کنونی را به احساس بازاری‌های قدیم تهران تشبیه می‌کرد که دائم از اوضاع بد بازار و کساد۱ی آن ناله می‌کنند، درصورتی که در واقعیت از نظر مالی و درآمد وضعیت مطلوب‌تری نسبت به هم‌صنفی‌های خود دارند. از سوی دیگر این ناامیدی بیش از آنکه در عرصه فردی نمایان شود، در عرصه اجتماعی بروز می‌کند. این حالت را می‌توان شکافی میان امید فردی و اجتماعی دانست. در جامعه کنونی ما اغلب افراد به‌صورت شخصی و درونی انگیزه و امید دارند و برای آن تلاش می‌کنند و به‌نوعی به آنها دل بسته‌اند؛ اما همین افراد در مشارکت‌های اجتماعی انگیزه‌های کمتری دارند. هرچند گروهی از اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند این وضعیتی جهانی است و مختص ایران نیست. آنها بر این باورند که اوضاع جهانی نیز مانند ایران در زمانه ناامیدی به‌سری می‌پرد؛ وضعیتی که اطلاعات فراوان، افراد را احاطه می‌کند اما توانایی برای تغییر خواسته‌های خود نداشته و پایان رویاهایشان را رقم می‌زند. در روانشناسی اجتماعی به چنین حالتی «درماندگی آموخته‌شده» می‌گویند. درواقع در پی رویدادهای ناگوار خارجی، توجیهات علی درونی به وجود می‌آیند که سبب از بین رفتن عزت نفس آدمی و در نهایت امید و انگیزه وی می‌شوند. حالتی که مردم

جهان به آن پایان امید به ایدئولوژی می‌گویند. اتفاقی که در جامعه ایرانی در حال رخ دادن است شباهتی با ناامیدی جهانی ندارد، اگرچه براساس پیمایش‌ها در سال‌های اخیر، وضعیت سرمایه اجتماعی ایرانیان تا حدودی افت داشته است، اما جامعه ایرانی از نظر امیدواری ایدئولوژیکی نقطه مقابل این تحلیل قرار دارد و در بالاترین سطح از اثبات کارآمدی و قوام مبنایی و ایدئولوژیک خود قرار گرفته است. مردم ایران این مدعی را در باورهای عمومی براساس شاخص‌های دینی و فرهنگی و ملی تأیید می‌کنند. بر همین مبنا، جامعه امروز ما نه در نقطه فروپاشی اجتماعی، آنچنان که عده‌ای تلاش می‌کنند القا کنند که در نقطه «درماندگی اجتماعی» قرار گرفته است. این درماندگی و احساس را می‌توان حاصل سه‌ساله دانست.

۹ تضعیف امید: از درون

تضعیف امید به‌آینده بهتر و امکان رفع و حل مسائل کشور و کارآمدی که براساس تصویر از مسئولان و اقدامات آنها و نرخ فزاینده و وضع پابرجای نارسایی‌ها ایجاد می‌شود. البته واسطه رسانه‌ای این وضع می‌تواند شبکه‌های رسانه‌ای خارج‌نشین هم باشند و منظور از درون، صرفاً ناامیدی به‌واسطه نظام رسانه داخلی نیست. روشنفکران امروز را می‌توان سرآمدان این تضعیف دانست که جامعه را از داخل پوچ و پوک می‌کنند. گروهی که صرفاً با امید به دیگر کشورها و ساختن آینده‌ای سیاه سعی دارند جامعه ایران را عقب‌مانده از توسعه جهانی دانسته و بر طبل انزوا و شکست آن بکوبند.

۹ تخریب امید: از بیرون

تخریب امید به‌صورت کلی، هجمه‌ای به‌سازه فکری و ذهنی ایرانیان است. بازنامه‌ی مطلق و روبا‌یی از کارآمدی رقبا و سایر کشورها، در کنار تطهیر و موفق‌نمایی حکومت‌های قبل از انقلاب و رژیم پهلوی، تخریب‌سازه امید اجتماعی در افکار عمومی را در پی دارد. تخریب تصویر عمومی ایران و ایرانی در اذهان عمومی و القای بی‌حد و حصر تصویری مخدوش و سیاه از گذشته، حال و آینده، سازه امید را فرومی‌ریزد. به‌صورت مشخص تلاش رسانه‌ای خارج‌نشینان و دشمنان در این حوزه بر همین اساس استوار است. «در طول این ۴۰ سال و اکنون مانند همیشه، سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک‌نشان دادن یا انکار موفقیت‌های بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه

از امید ناامیدکننده تا امیدِ امید آفرین

صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته می‌شود دنباله‌های آنان را در داخل کشور نیز مشاهده کرد که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند.

۹ تجزیه امید

اساساً انسان، جامعه، سبک زندگی معاصر و تغییرات عمیق در نظام فرهنگ و ارتباطی جهانی، هویت‌های بازتابی و شناوربودن پایه‌های معرفت، منجر به‌پدیدهای جهانی، سوای اینکه جامعه‌ای موفق و مصون باشد یا نباشد، شده است که می‌توان آن را تجزیه امید نامید. امید به لحاظ هستی‌شناختی، امری شناور و ناپایدار شده است. به عبارت روایات ما مشابه بحثی که در مورد ایمان مطرح است؛ مستوع است نه‌مستقر. امید مستوع و تجزیه‌شده، به‌سادگی و در موقعیت‌های گوناگون، از بین می‌رود و شاید دوباره با بهانه‌ای برگردد اما همچنان لرزان و به‌سادگی در معرض زوال است. هرچند نقش نا کارآمدی دولت و قوا در سال‌های گذشته و عدم تحقق وعده‌های مسئولان در کنار بی‌توجهی به قشر مستضعف، جامعه را در این حس ناپایداریده گرفت، اما در کشمکش و روبرایی با چنین احساسی در زیست جهان ایرانی، گروه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در حال نقش آفرینی، اثرگذاری، تقویت یا تغییر این احساس هستند.

۹ امیدواری ناامیدکننده

در اِسن بین از گروه به‌ظاهر روشنفکر و لیبرال مآب که تنها با شاخص‌های توسعه، ایران امروز را تحلیل کرده و آینده‌ای تاریک و بدون روزه‌ای از امید را تصویر می‌کنند اگر بگذریم، گروه یا رویکرد دیگری نیز از بازبانگزار عرصه ناامیدی در جامعه به‌شمار می‌روند. اگر گروه اول را به‌عنوان گروهی وابسته به غیر، واداده و بدون علقه به انقلاب اسلامی ایران و مسیر پرفراز و نشیب و ۴۰ ساله آن به‌شمار آوریم که تنها عبور از این بحران را تغییرات اساسی در بنیان انقلاب اسلامی ایران می‌دانند؛ گروه دوم برعکس سعی می‌کنند در مقابله تام با این نگاه همه‌خألاً را پنهان کرده، از معضلات یا مردم سخن نگفته، مسئولان و مجریان را به مطالبه و پاسخگویی نخوانده و در برابر مشکلات و موانع مسیر، سکوت اختیار کنند. این نگاه گمان می‌کند امید آفرینی صرفاً با امید امید گفتن محقق می‌شود. به‌جای پرداختن به معضلات و مشکلات و دیدن همه خألاًها در کنار پیشرفت‌های این ۴۰ ساله، سعی در آرام کردن جامعه با سکوت بی‌توجهی به مطالبات، بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و آسیب‌های اجتماعی مختلف سازمانی و نهادی دارد. گرچه این رویکرد بیش از آنکه فرد یا افراد شاخصی را دربرگیرد به‌صورت روحی گسترده، در قالب برخی سازمان‌ها و نهادهای از صدا و سیما

تا نمازهای جمعه را دربر گرفته، بدنه‌ای گسترده از مسئولان پیر و فروتو گذشته را نیز شامل می‌شود. صدا و سیما در شرایطی که بسترهای دیگر ارتباطی به‌ویژه فضای مجازی، رقیب جدی او در انتقال پیام شده، از سوی مخاطبان خود با ضعف اعتماد روبرو به‌ر است. در این وضعیت، عده تلاش این سازمان به‌جای جلب اعتماد، افزایش تعداد بینندگان است و با فاصله گرفتن از ساخت روایت‌های ملی و پرداختن بدون لکت به مطالبات و درخواست‌های مردم، فقط تصویری خوش‌بینانه و بدون مشکل را ترسیم می‌کند. بخش خبری بیش از بقیه قسمت‌ها درگیر این نگاه است. در اتفاقات اخیر گرانی بنزین، تا ۴۸ ساعت نخست، برف پاییزی اولین خبر صدا و سیما روی آنتن بود و خبری از اغتشاشات و اعتراضات بحق مردم که خود را از صف آشوبگران جدایی دانستند، نبود. همین رویکرد، در برابر تعطیلی کارخانه‌ها، بیکاری و بی‌عدالتی نسبت به کارگران هیکو و آذراب و هفت‌تپه و... در پی گرفته شد. در مقابل، نگاهی یک‌طرفه به دستاوردها و پیروزی‌ها دارد و انتقاد سازنده و واقع‌بینی را کنار گذاشته است. همین مساله در نمازهای جمعه‌ای که پناهگاه عمومی جامعه بود نیز رخ داده است. یکی از وجه مزیت‌های انقلاب اسلامی ایجاد بسترهای بومی و همچنین حقیقی برای ارتباط با مردم، شنیدن صدای آنها و پاسخگویی به سوالات و شبهه‌های سیاسی و عقیدتی آنها بوده است و به‌نظر می‌رسد با استفاده از همین ظرفیت، چه در لایه‌های سطحی پیش از انقلاب و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانسته است مردم را همراه و هم‌نظر با خود کند. سرآمد خاستگاه‌های حوزه عمومی تأسیسی پس از انقلاب، نماز جمعه بود. نماز جمعه فضایی برای شنیدن و شنیده‌شدن است. رکن اصلی نماز جمعه نیز امام جمعه است. شوربختانه آنچه در سالیان اخیر زمینه‌ای برای افول این نهاد مقدس میان مردم به‌ویژه جوانان شده، ضعف کنش ارتباطی ائمه جمعه بوده است. فاصله‌سنی زیاد با جوانان، عدم تحلیل و به‌روز بودن، خطیب نبودن، عدم ارتباط با توده مردم در طول هفته، عدم مطالبه و بسیج‌سازی نخبگان و مطالبه مرشدانه از مسئولان شهر در مشکلات واقعی مردم و... از جمله معضلات این نهاد است. عدم پرداختن به مشکلات معیشتی مردم، عدم همراهی و همدلی با معضلات و نگرانی‌های مردم در شهرها و شهرستان‌ها و صرفاً سخن از منافع ملی راندن بدون توجه به بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها، ذهن عمومی جامعه را نسبت به این نهادها مخدوش تر کرده است. نگاه یک‌طرفه این رویکرد به مسائل کشور در گزارشها، خطبه‌ها و آمارها و همچنین با ملاحظه سخن گفتن از مشکلات جهت فرار از سیاه‌نمایی و

ناامیدی، پرت‌شدن در دامن ناامیدی عمومی را بیش از پیش رقم زده است. در بلندمدت این رویکرد بیش از آنکه خود را در کنار مرده قرار دهد، در مقابل آنان قرار می‌دهد و زمینه ناامیدی و نارضایتی را بیش از پیش فراهم می‌آورد. این رویکرد در یک سیر تاریخی به جمهوری اسلامی با عینکی شرایط را تحلیل می‌کند که دارای سه ویژگی است:

(الف) توجیه‌گران دیروز

اگر بخواهیم مهم‌ترین ویژگی این دسته از افراد جامعه را در مواجهه با گذشته ۴۰ ساله انقلاب اسلامی برشماریم، باید به نگاه توجیه‌گرایانه آنان اشاره کنیم. این نگاه نسبت به خألاًها و کوتاهی‌های گذشته ۴۰ ساله، سکوت یا توجیه سراسری را اتخاذ کرده‌ا ن تا کارآمدی‌هایی تدبیری‌ها، غفلت‌ها و بعضاً کوتاهی‌های عامدانه برخی مسئولان سخن نمی‌گوید. مسیر ۴۰ ساله انقلاب اسلامی ملو از پیشرفت‌ها، گذر از موانع، پیروزی‌ها و خدمت‌بوده است؛ اما در کنار اینها باید به موانع، بی‌عدالتی‌ها، اشرافی‌گری مسئولان، تبعیض‌ها و... نیز اشاره کرد که توجیه‌گران با ترس از ایجاد ناامیدی هیچ‌یک از آنها را بگو نمی‌کنند. این غیرواقع‌بینی عامل اساسی بی‌اعتمادی است. این غیرواقع‌بینی در کنار برجسته کردن تحریف کرده‌وتنها به نقاط قوت بسنده می‌کنند. از دردها و روشنفکران، زمینه ترلزول فکری و درماندگی بیشتر جامعه را فراهم می‌آورد.

(ب) خوش‌بینان امروز

این دسته نسبت به حال آنچنان خوش‌بین هستند که کاستی‌ها را فراموش می‌کنند. بزرگ‌ترین مشکل این خوش‌بینی سازنده نبودن آن برای آینده‌ای روشن است. درواقع واقعیت امروز را فارغ از مشکلات تعریف کرده‌وتنها به نقاط قوت بسنده می‌کنند. از دردها و گلاجه‌ها و مشکلات سخنی به زبان نیاورده و تنها به دستاوردها و پیروزی‌ها اشاره می‌کنند. رویکرد خبر سازمان صدا و سیما، برخی مسئولان و ائمه جمعه به وضوح دراین باره نمایان است. با چنین عینکی، از مطالبات و خواسته‌های بحق مردم فاصله گرفته و زمینه اصلاح جامعه و مسئولان و سازمان‌ها به‌شکلی کلی به انسداد خواهد رسید.

(ج) فاقدان امید موجه فردا

طبیعی است که با دو ویژگی قبل، این گروه نمی‌تواند امیدی سازنده و موجه را برای فردا ترسیم کند. درواقع از آن‌رو این امید را ناموجه می‌نامیم که زمینه‌های همراهی جامعه و افکار عمومی را با خود به‌همراه نداشته و زمینه اصلاح و تصویر روشن از آینده را به کلی از بین برده است. بی‌اعتمادی، از بین رفتن مرجعیت فکری و خبری، غیرواقع‌بینی، غیرمردمی از انگاره‌های مهم شکل گرفته در افکار عمومی توسط این دسته از افراد و سازمان‌ها است.

ادامه در صفحه ۳